



وال استریت؛ جنبش از درون (بررسی وال استریت از منظر جنبش‌های جدید اجتماعی)

دکتر نوذر امین صارمی^۱

تاریخ تصویب: ۱۳۹۰/۹/۲۵

تاریخ دریافت: ۱۳۹۰/۹/۱۵

چکیده

جنبش اعتراضی وال استریت از هفدهم سپتامبر در پارک «زاکوتی نیویورک» در حوالی مرکز سرمایه داری آمریکا آغاز و پس از چند ماه، گسترش وسیعی یافته و به سایر شهرهای آمریکا و همچنین کشورهای اروپایی کشیده شده است. اگرچه جنبش‌های ضد سرمایه داری مانند جنبش «سیاتل» و «داووس» در قبل نیز شکل می‌گرفته است، اما اعتراضات اخیر با نام‌های جنبش ۹۹ درصد یا اشغال وال استریت آنچنان گستره وسیعی یافته که مردان سیاست و اقتصاد جهانی را به واکنش برانگیخته است. در این رابطه این سوال مطرح می‌شود که آیا انقلابی عظیم در نظام سرمایه داری در حال شکل‌گیری است؟ ماهیت و ویژگی‌های این جنبش چگونه است؟ برای پاسخ به این سوالات ضمن توصیف ادبیات و مبانی نظری، برای تحلیل موضوع از گزارشات و اطلاعات و اخبار رسانه‌ها بهره‌گیری شده است. نتایج بررسی نشان داده مدل اعتراضی جنبش وال استریت، آرام و به صورت استقرار شبانه روزی در حوالی ساختمان‌ها و پارک‌های نزدیک نمادهای سرمایه داری آمریکا بوده و به تدریج به سایر مراکز کشیده شده است. این جنبش خصیلتی ساختارشکنانه ندارد و اعتراضی همگانی به بی‌عدالتی، تبعیض و بحران اقتصادی ناشی از حاکمیت سرمایه داری و نئولیبرالیسم در آمریکا و اروپا می‌باشد. همچنین این جنبش‌ها خود محصول نظام جهانی سرمایه داری هستند که بر اساس دیالکتیک قدرت، از درون این نظام و با گفتمانی برگرفته از قدرت طبقات متوسط، در متن صورت‌بندی جدید شکل گرفته و نظام موجود را به چالش کشیده است.

واژگان کلیدی: جنبش اعتراضی وال استریت، جنبش‌های جدید اجتماعی، سرمایه داری، نئولیبرالیسم، وال استریت.

مقدمه

وال استریت نام خیابان مشهوری در محله منهتن نیویورک در ایالات متحده امریکا است که از شرق و از سرپایینی خیابان برادوی به تنگه رودخانه شرقی متصل می‌شود. «جرج واشنگتن» در این خیابان در عمارت فدرال، به عنوان اولین رییس جمهور امریکا قسم یاد کرد. ساختمان بازار بورس نیویورک که بزرگ‌ترین بورس جهان از نظر میزان معاملات و حجم مالی است، در خیابان وال استریت قرار دارد. همچنین مرکز بزرگ‌ترین بنگاه‌های اقتصادی امریکا و چند بورس مهم دیگر در این منطقه واقع شده است.

در طول زمان نام وال استریت به عنوان مکان دارای نفوذ اقتصادی در امریکا شهرت گرفته است. جنبش اعتراضی وال استریت جنبشی نمادین است که اعتراض خود را از همین مکان آغاز کرده است و شعار محوری خود را هم «وال استریت را تسخیر کنیم» قرار داده است. معترضان با استقرار شبانه روزی در مقابل ساختمان وال استریت، ساختمان کنگره و کانون‌های سیاسی اقتصادی، مطالبات خود را مطرح کرده‌اند. این جنبش چند هفته پس از آغاز به یک جنبش فراگیر تبدیل و دامنه آن اکنون به شهرهای بزرگ امریکا و برخی کشورهای جهان کشیده شده است.

جنبش وال استریت از هفدهم سپتامبر با تجمع معترضان در پارک زاکوتی نیویورک آغاز شد و سپس حرکت نمادین خود را با اشغال خیابان وال استریت که بورس نیویورک در آن قرار دارد تداوم داد. با گذشت چند ماه، به تدریج خیابان‌های نیویورک و سایر پارک‌ها و مراکز بزرگ اقتصادی و سیاسی را در بر گرفت. در این کنش اجتماعی هزاران نفر از اقشار مختلف، ائتلافی نامحدود و گسترده از اندیشه‌های متنوع را زیر چتری واحد علیه نظام سرمایه داری به راه انداختند. در فرایند این جنبش این تجمع نمادین با شعار اشغال مراکز اقتصادی و تجاری همراه شد و نمادهای برجسته نظام سرمایه داری جهانی را نشانه رفت. اگر چه جنبش‌های اعتراضی بر علیه اقتصاد و سرمایه داری حاکم بر دنیای غرب، همواره وجود داشته و مصادیق آن در قالب جنبش‌های ضد سرمایه داری در سیاتل و داووس سویس هر از چند گاهی دیده می‌شد، اما اعتراضات اخیر به مثابه کانونی بحرانی برای سیاست‌های نئولیبرالیستی مطرح بوده و آنچنان در حال گسترش است که جهان سیاست و اقتصاد را به خود جلب نموده است. در این رابطه سؤالاتی مطرح است که آیا انقلابی عظیم در نظام سرمایه داری در حال شکل‌گیری است؟ و یا جنبش وال استریت تنها واکنشی

نمادی بر علیه سیاست‌های حاکم جهان سرمایه داری است؟ ماهیت و ویژگی‌های این جنبش چگونه است و چه مطالباتی را در نظر دارند؟

با توجه به گستره جنبش اعتراضی وال استریت و همه گیر شدن آن در جهان سرمایه داری و استفاده از شیوه‌های بدیع و نوآورانه مبارزه، به نظر می‌رسد نئولیبرالیسم اکنون با چالشی جدی روبروست. بررسی این چالش و رصد تحولات آن و شناخت تأثیرات سیاسی اجتماعی آن برای نظام جمهوری اسلامی اهمیت اساسی دارد. هدف این تحقیق نیز بررسی همین موضوع و پاسخ به سؤالات اساسی پیش گفته است.

تبارشناسی جنبش‌های اجتماعی در غرب

رفتارهای جمعی و شورش‌های اعتراضی در طول تاریخ به شکل‌های مختلف در غرب وجود داشته است، اما نوعی از این رفتارها تحت عنوان جنبش‌های اجتماعی در چند دهه اخیر مطرح شده‌اند. قرن نوزدهم در غرب اوج ظهور و شکل‌گیری جنبش‌ها به معنای مجموعه‌ای از مردم بود که به شکلی آگاهانه و داوطلبانه خود را به هویتی مشترک، باوری وحدت بخش، برنامه‌ای مشترک و مبارزه‌ای جمعی برای تحقق آن برنامه متعهد می‌ساختند (نش؛ ۱۳۸۴، ۱۱۲). جنبش‌های اجتماعی نخستین بار از دهه ۱۸۳۰ به بعد در اروپا پدیدار شدند. کارگران و مزدبگیران در فعالیت‌های صنعتی و تجاری به منظور دستیابی به خواست‌های اقتصادی و آزادی‌های سیاسی و اجتماعی، به خود سازمان دادند. سال ۱۸۵۷ آغاز اولین بحران اقتصادی جهانی سرمایه داری بود. در آن زمان تضادهای بورژوازی و کارگران شدت یافت و جنبش‌های کارگری تمام عیار پدیدار و وارد مراحل جدی خود شد (صارمی؛ ۱۳۹۰، ۱۴۳). جنبش کارگری انگلستان که از زمان شکست جنبش «چارتیستی» ابراز وجود نکرده بود دوباره به اوج رسید. جنبش‌های دانشجویی فرانسه شکل تازه‌ای به خود گرفت، کارگران امریکایی اتحادیه ملی کارگران را به دنبال یک سلسله اعتراضات اجتماعی تأسیس و جنبش کارگری به سرعت به سایر کشورهای اروپایی گسترش یافت. این جنبش‌ها و تأثیراتی که در ابعاد سیاسی و اجتماعی کشورهای تحت سلطه سرمایه داری ایجاد کرد زمینه ساز جنبش‌های اجتماعی دهه ۶۰ و ۷۰ قرن بیستم اروپا و امریکا گردید. در ایالات متحده، جنبش حقوق مدنی امریکا بخشی از حرکت کلی‌تر اجتماعی تحت عنوان «جدایی نژادی» در ایالات متحده امریکاست که از سال ۱۹۵۵ با هدف کسب برابری میان سیاهپوستان و سفیدپوستان آغاز شد و در سال ۱۹۶۸ با تصویب قانون مدنی به سرانجام

رسید. در این دوره مبارزات بدون خشونت و نافرمانی مدنی باعث ایجاد بحران‌های متعدد بین فعالان و دولت محلی، ایالتی و فدرال در ایالات متحده آمریکا شد؛ که دولت، جامعه و اصناف را وادار به جبهه‌گیری در برابر بی‌عدالتی‌هایی که سیاهپوستان امریکایی با آن مواجه بودند می‌نمود.

دهه ۶۰ و ظهور جنبش‌های جدید

«دیوید هاروی»، نیویورک ۱۹۶۰ را نخستین جای پیاده‌سازی طرح‌های نئولیبرالی می‌داند (هاروی؛ ۱۳۸۶، ۶۷) اشکال جدید جنبش‌های اجتماعی در واکنش به این پدیده نیز در همین دهه در اروپا و آمریکا شکل گرفت. جنبش‌های ناسیونالیستی در اروپای مرکزی و جنوب شرقی و بعدها در کشورهای مستعمره، جنبش‌های زنان، جوانان و انبوهی از جنبش‌های کوچک‌تر و محلی‌تر که به دنبال اهداف خاص بودند، محصول این دهه بود (باتامور؛ ۱۳۸۶، ۵۸) در این دهه جنگ ویتنام و دخالت نظامی آمریکا باعث شده بود اعتراضات وسیع ضد جنگ در نقاط مختلف آمریکا و اروپا ظاهر گردد. چک و اسلواکی در اغتشاش و ناآرامی قرار گرفته بود، سیاهان آمریکا مصرانه به دنبال حق حیات مدنی بودند، جنبش زنان اشکال و ماهیت جدیدی به خود می‌گرفت. در انگلیس دانشجویان به اشغال مراکز دولتی و عمومی می‌پرداختند و از همه مهم‌تر، دانشجویان و به دنبال آن کارگران در فرانسه، خیابان‌ها و کارخانجات را به اشغال خود در می‌آوردند. در تابستان ۱۹۶۸، دانشجویان دفتر هواپیمایی «امریکن اکسپرس» را اشغال نمودند که بلافاصله توسط پلیس دستگیر و زندانی شدند. این موضوع واکنش‌های زیادی را در بین دانشجویان دانشگاه‌های پاریس برانگیخت. اول ماه مه و همزمان با بزرگداشت روز جهانی کارگر، این قشر با استفاده از فرصت پدید آمده، جنبش خود را آغاز کردند که باعث هم‌افزایی و توسعه جنبش دانشجویی فرانسه شد. در این روز تظاهرات کارگری و دانشجویی گسترش زیادی یافته و همه گیر شد. دانشگاه «سوربن» اشغال و دانشجویان در صحن آن تجمع نمودند. با بالا گرفتن اعتراضات، پلیس دخالت نمود و هزاران دانشجو را دستگیر و دانشگاه را تعطیل نمود، اما جنبش به خیابان‌ها کشیده شده بود. در تمامی این مدت تعقیب و گریز بین نیروهای پلیس ضد شورش و اغتشاشگران در کوچه و خیابان‌های اطراف سوربن ادامه داشت، به طوری که تئاتر ملی پاریس به اشغال معترضین در آمد. این جنبش در کشورهای دیگر اروپا و ویژه اسپانیا و آمریکا واکنش‌هایی را برانگیخت، جنبش تا آخر ماه مه با انحلال مجلس و تشکیل

کابینه‌ای جدید به دستور «شارل دو گل» پایان گرفت.

جنبش‌های دهه ۶۰ ویژگی‌های خاصی داشت که آن را از جنبش‌های ما قبل خود متمایز می‌ساخت و آن شکلی جدید از اعتراض، در قالب خود انگیختگی و خود جوشی بود. در این مورد «موریس بلانشو» می‌گوید: «جنبش ۱۹۶۸ برای ما به عنوان یک تلاقی تصادفی و هیجان‌انگیز بدون برنامه، بدون پروژه در قالب اشکال اجتماعی بود که به سرعت پذیرفته شد و حال و هوای یک عید را داشت... هدف آن تسخیر زندال باستیل، تسخیر کرملین نبود، اما در آن لحظه هیجان ناشی از زیست برابر و اینکه هر کس امکان سخن گفتن داشته باشد، هدف بود.» (تاجیک، ۱۳۸۲، ۱۷) در حقیقت جنبشی براندازانه و ساختار شکن نبود بلکه حاکمیت فرهنگ سرمایه داری، بی‌عدالتی و تبعیض‌های ناشی از آن، این واکنش‌ها را برانگیخت. جنبشی که در گذشته با این ویژگی‌ها و اشکال کمتر دیده شده بود. قدرت نوآوری جنبش‌های بعدی بی‌گمان به میزان زیادی مدیون حوادث دهه ۶۰ است (باتامور، ۱۳۸۶، ۵۹) و امروز جنبش وال استریت از نظر ماهیت عمل و بسج اجتماعی به عنوان یکی از مصادیق جنبش‌های جدید اجتماعی همانند کنش‌های آن دهه شکل گرفته است.

مبانی نظری

رفتار جمعی پاسخ‌ده‌ای از مردم به یک وضعیت یا مسأله‌ای خاص است. این رفتارها در جامعه به شکل‌های گوناگون تجلی می‌یابد که یکی از آن‌ها جنبش‌های اجتماعی است. این جنبش‌ها به عنوان رفتار اعتراضی و توسط شبکه‌ای از افراد، محافل و گروه‌های رسمی یا غیر رسمی صورت می‌پذیرد. جامعه‌شناسان این پدیده را مختص جوامع مدرن می‌دانند. «چارلز تیلی» جنبش‌های اجتماعی را کنش مردم با هم برای رسیدن به منافع مشترک تعریف نموده و آن را ناشی از ترکیب‌های متحول منافع، سازمان، بسیج و فرصت می‌داند (Tilly; 1997:17) «گیدنز» نیز جنبش اجتماعی را کوشش جمعی برای پیشبرد منافع مشترک یا تأمین هدفی مشترک از طریق عمل جمعی خارج از حوزه نهادهای رسمی تعریف کرده است. (گیدنز؛ ۱۳۷۴، ۶۷۲) بسیاری از جنبش‌های اجتماعی خیلی کوچک هستند و شاید تعداد اعضای آن‌ها بیش از چند ده نفر نباشند، جنبش‌های دیگر ممکن است هزاران یا حتی میلیون‌ها نفر را در برگیرند. بعضی از جنبش‌ها در چارچوب قوانین جامعه فعالیت می‌کنند و برخی دیگر به صورت گروه‌های غیر قانونی یا زیر زمینی فعالیت می‌نمایند. «گی روشه» معتقد است جنبش اجتماعی عبارت است از: سازمانی کامل شکل گرفته

و مشخص که به منظور دفاع یا گسترش و یا دستیابی به هدف‌های خاصی به گروه بندی و تشکل اعضا می‌پردازد. آنچه که جنبش اجتماعی را مشخص می‌سازد متقاضی و مدعی بودن آن است که سعی در شناساندن و پیروز گردانیدن ایده‌ها و منافع و ارزش‌های معینی را دارد. بدین منظور پیوسته سعی در افزایش اعضا و کوشش در جهت جلب توجه عامه و نیز نخبگان جامعه می‌نماید. (گی‌روشه، ۱۳۶۶، ۱۶۴)

بر اساس آراء تورن جنبش‌های اجتماعی سه کارکرد اساسی دارند: ۱- کارکرد رابط یا میانجی بودن: آن‌ها به عنوان عاملین فعالی بین افراد از یک طرف و ساخت‌ها و واقعیات اجتماعی از طرف دیگر، نقشی میانجی به عهده دارند. این نقش به دو روش صورت می‌گیرد؛ اول آنکه این جنبش‌ها برخی واقعیات‌های اجتماعی را به آن‌ها نشان می‌دهد. دوم آنکه آن‌ها وسیله ارتباط مؤثری در مشارکت اجتماعی محسوب می‌گردند. ۲- کارکرد ایجاد و بالا بردن آگاهی جمعی: جنبش‌های اجتماعی موجب ایجاد و گسترش نوعی شعور جمعی سیاسی است، در دگرگونی اجتماعی مورد تأکید قرار دارد. ۳- کارکرد ایجاد فشار: جنبش‌های اجتماعی با فشاری که بر نخبگان قدرت وارد می‌آورند بر توسعه تاریخی جوامع اثر می‌گذارند، این فشارها ممکن است به طرق مختلف عمل کند از قبیل: مبارزات تبلیغاتی به منظور تأثیر بر افکار عمومی، تهدید، اعتصاب، تحریم، تظاهرات و... شورش‌های اعتراضی به عنوان یک عمل جمعی در برابر ستم اربابان، حاکمان و شاهان در سراسر تاریخ وجود داشته‌اند؛ اما جنبش‌های اجتماعی از حد یک اعتراض فراتر رفته و سعی دارد ایده و برنامه‌هایی را در جامعه به مرحله اجرا بگذارند. ایده‌ها و اعتراضات جنبش‌ها ممکن است به سوی نقد سیاست‌های حکومت جهت‌گیری یا به سوی نقد شیوه‌های زندگی روزمره که توسط نهادهای رسمی تبلیغ می‌شود، هدف‌گیری شده باشد. حداقل یک قرن است که جوامع مدرن با این جنبش‌ها به عنوان یکی از عوامل تغییر جامعه روبرو هستند، در دهه‌های اخیر بر اساس ماهیت و اهداف، تحولاتی در جنبش‌های اجتماعی مطرح شده است. گسترش فزاینده ارتباطات و تغییرات روز افزون و پیچیده ساختارهای اجتماعی، تحولات عمیقی در زمینه‌های فرهنگی پدید آورده است. در این فرایند جنبش‌های اجتماعی به گونه‌های جدیدی پدیدار شده که از نظر ویژگی‌ها و شیوه‌های عمل تفاوت‌های اساسی با جنبش‌های سنتی دارد. در جنبش‌های گذشته صبغه طبقاتی جنبش‌ها بر جسته بود، اما اکنون هدف آن‌ها تلاش برای ترسیم شیوه‌های جدید زندگی است. در این رابطه دیدگاه‌های تازه‌ای هم برای تبیین این موضوع مطرح شده است.

دیدگاه‌هایی که به بررسی تحولات جنبش‌های اجتماعی دهه‌های اخیر بعد از دهه‌های ۶۰ و ۷۰ پرداخته‌اند در دو رویکرد مطرح شده‌اند:

الف- رویکرد فرایند فرصت سیاسی به نمایندگی تارو و تیلی، این دیدگاه موفق شد توجهات را به سمت تعاملات موجود میان بازیگران جدید و سنتی و بیان اشکال نامتعارف عمل سیاسی و نظام‌های نهادینه شده نمایندگی منافع سوق دهد. به این ترتیب دیگر نمی‌توان جنبش‌ها را با پیش داوری و قطعیت به عنوان واکنش‌هایی حاشیه‌ای و ضدنهادی به بد کارکردی‌های نظام تعریف کنیم. رویکرد فرایند سیاسی راه مفیدی برای تفسیر بعد سیاسی جنبش‌های معاصر به شمار می‌رود (گی روشه؛ ۱۳۶۶)

ب- رویکرد جنبش‌های نوین به نمایندگی تورن و ملوچی، صاحب نظران این رویکرد معتقدند که موضوعیت نزاع میان طبقات صنعتی رو به کاهش است و معرفی جنبش‌ها به عنوان سوژه‌های همگون (یکسان) دیگر عملی نیست (دلپورتا و دیانی؛ ۱۳۸۳، ۲۵) و در جنبش‌های جدید، اقشار اجتماعی جدید به خصوص قشر متوسط، به عنوان بازیگران اصلی منازعه، جانشین سرمایه داران و کارگران شده‌اند.

جنبش‌های جدید؛ علیه نظام سرمایه داری

نئولیبرالیسم به عنوان ایدئولوژی سرمایه داری در چند دهه گذشته، خود را گفتمان مسلط سیاسی، اقتصادی و فرهنگی خوانده و خبر از تحقق نظم نوین در عرصه جهانی داده است. فروپاشی اتحاد جماهیر شوروی و از نفس افتادن سرمایه داری دولتی در واپسین دهه هزاره دوم و پایان رقابت سیاسی - نظامی جنگ سرد، سرانجام به نفع سرمایه داری غرب شد. از میانه‌های ۱۹۸۵ همه ستون‌های بنیادی پیمان ورشو رو به سرنگونی رفت و در این میان اصلاحات گورباچف (گلاسنوست و پروستریکا) فراگرد فروپاشی را شتاب بخشید. از درون آن اصلاحات، الیگارش فاسد روسیه به رهبری «یلتسین» - که از سوی سیا و رسانه‌های غربی پشتیبانی می‌شد- بیرون آمد. فروپاشی دیوار برلین، نماد پایان امپراطوری ابرقدرت شرق و آغاز گفتمان برتری جویانه امریکا و هم پیمانانش گردید. این حادثه، فرجام دوران تازه‌ای بود که از آغاز دهه ۱۹۹۰ در زمینه پیوندهای اقتصادی، سیاسی و فرهنگی به وجود آمد. امواج جهانی سازی‌های اجباری، هویت دولت‌های ملی در جهان سوم را به چالش کشید و بخش چشمگیری از فرهنگ‌های بومی و منطقه‌ای در برابر یورش سازمان یافته تحت عنوان دهکده جهانی قرار گرفت (قراگزلو؛ ۱۳۸۹، ۱۲۱) حمله

نیروهای امریکابه عراق در دوران بوش پدر، گویای چیرگی گفتمان یکسونگری سیاسی و نظامی سیاسی جهانی بود.

آنگاه که نئولیبرالیسم در ایالات متحده پایگاه سیاسی و پشتیبانی‌های مردمی یافت، «ریگان» به عنوان نماینده حزب جمهوری خواه و پیش برنده این طرز تفکر در انتخابات ۱۹۸۰ به پیروزی رسید، به بهانه مبارزه با تورم، سیاست‌های نئولیبرالیستی را در کل ایالات متحده عملی ساخت. تا سال ۲۰۰۰ این طرز فکر بر اغلب دپارتمان‌های اقتصاد دانشگاه‌های مهم امریکا حاکم شده بود. به سخن دیگر، دگرگونی زیرساخت‌های اجتماعی، اقتصادی، فرهنگی و سیاسی به دست «ریگان» و «تاچر» آنچنان ژرف و دامنه دار بود که سیاستمداران پس از آنان در ایالات متحده و بریتانیا نیز همین راه را تداوم دادند. سیاست‌های نئولیبرالی، آثار و پیامدهای خود را در دهه بعد به تدریج نشان داد. به گفته «هاروی»، قربانیان اصلی نئولیبرال سازی، زیرساخت‌های اجتماعی، اقتصادی و فرهنگی نیویورک، طبقه کارگر و مهاجران قومی بودند که یا روانه حاشیه شهرها شدند یا طعمه نژادپرستی گردیدند. اعتیاد و ایدز تا دهه ۲۰۰۰ بسیاری از جوانان را به کام مرگ فرستاد. وضعیتی که یکسره پیامد مدیریتی است که کار ویژه خود را به جای پشتیبانی از شهروندان، پشتیبانی از گروهی تاجر و بازرگان می‌داند (هاروی، ۱۳۸۶، ۷۱)

دستکاری سیاست‌های نئولیبرالیستی در اقتصاد کشورها، به بحران‌های مالی منجر شد و گرفتن وام از صندوق بین المللی پول و بانک جهانی برابر با بازگرداندن چیزی بیش از پنجاه برابر بدهی شد. تا جایی که «جوزف استیگلیتز» -برنده جایزه نوبل اقتصاد و رییس سابق بانک جهانی- گفته است: «چه جهان شگفت انگیزی است که در آن کشورهای تهی دست به کشورهای دارا یارانه می‌دهند و چنانچه کشوری نتواند بدهی خود را به هنگام بردازد، برای گرفتن زمان بیشتر ناچار از پذیرش اصلاحات نئولیبرالیستی است که صندوق بین المللی پول و بانک جهانی دیکته می‌کنند» (steaglyts; 1998.197). این پدیده در خود ایالات متحده و کشورهای اروپایی نیز همین پیامدها را داشته است و کاهش هزینه‌های رفاهی، تصویب قوانین بازار انعطاف پذیرتر، افزایش مالیات‌ها و خصوصی سازی بیشتر و در حقیقت بیشتر شدن فاصله طبقاتی، افزایش تهی دستی، بیکاری، گرسنگی، تورم و بحران مسکن را موجب گردیده است. آنچه امروز در نیویورک می‌گذرد تجلی همین مشکلاتی است که نئولیبرالیسم پدید آورده است و جنبش وال استریت واکنشی طبیعی به این وضعیت می‌باشد.

نئولیبرالیسم نشان داده که نه تنها نمی‌تواند تنگدستی را در جهان از میان بردارد، که

در عمل و در پی بازگرداندن قدرت سرمایه داران و افزایش روزافزون فاصله طبقاتی است. امروز آمریکا و اروپا با رکود عمیق اقتصادی، ورشکستگی بانک‌ها، از بین رفتن سرمایه‌ها، ازدست رفتن خانه صدها هزار شهروند و کسری بودجه سرسام آور روبروست و به دخالت دولت‌ها به صورت کمک‌های میلیاردری به بانک‌های ورشکسته، طرح‌های ریاضت اقتصادی و افزایش مالیات‌ها منجر شده است. پیامدهایی که در ابعاد اجتماعی تولید نارضایتی و احساس اینکه در چنین شرایطی به جای کمک به نیازمندان از سرمایه داران حمایت می‌شود، گردیده است. موضوعی که به نقطه عطف جنبش‌های جدید و به ویژه جنبش وال استریت مبدل شده است. در جنبش وال استریت شهروندان آمریکایی خود را نود و نه درصدی می‌پندارند که توجهی به آن‌ها نمی‌شود و تنها به یک درصد اقشار فرادست کمک می‌گردد. در یکی از بیانیه‌های وال استریت آمده است: ... اگر قرار است با پرداخت ۸۵ میلیارد دلار، شرکت بیمه AIG نجات داده شود، چرا پرداخت هزینه‌های درمانی و بهداشتی شهروندان از سوی دولت که می‌تواند شهروندان آمریکایی را از دست شرکت‌های غارتگر بیمه‌های بهداشتی رهایی بخشد، به رویا تبدیل شده است؟ گذشته از آن چرا بنگاه‌ها برای اینکه پابرجا بمانند، سزاوار دریافت کمک دولت از جیب مالیات دهندگانند، ولی مالیات دهندگان نتوانند خواسته‌ای از این نوع از دولت داشته باشند؟

وال استریت به مثابه جنبش جدید اجتماعی

ظهور جنبش وال استریت در متن صورت‌بندی جدیدی شکل گرفته و نمادهای تازه‌ای را از کنش‌های اجتماعی و سیاسی مطرح کرده‌اند. نمادهایی که با جنبش‌های متعارف چند دهه قبل آمریکا متفاوت است. کنشگران این جنبش ماهیت طبقاتی مشخصی ندارند و با اشکال متنوع و بدیع به بیان اعتراض می‌پردازند. آن‌ها همانند سایر جنبش‌های جدید از ابزارهای میکروفیزیک قدرت استفاده می‌کنند به طوری که همه طبقات و اقشار اجتماعی را بسیج می‌نمایند. کنشگران با تجمع در پارک‌ها، اطراف ساختمان‌ها و مراکز اقتصادی و سیاسی و کلیساها، گویی در آنجا سکونت دارند، غذا می‌پزند، غذا می‌خورند، استراحت می‌کنند، مطالعه می‌کنند، می‌خوابند، شطرنج بازی می‌کنند، گپ می‌زنند، گروه‌های موسیقی راه می‌اندازند، ...

در جنبش وال استریت می‌توان پیرمرد، پیرزن، جوان، نوجوان و حتی نوزادانی را دید که در کالسکه‌های کوچکی آرمیده و با مادران در این کارناوال اعتراضی حضور دارند. این

صحنه‌های طبیعی زندگی، بیان اعتراض را به همه سلول‌های جامعه سرایت داده و آن را به مشارکتی عام تبدیل کرده است. در گذشته جنبش‌های اجتماعی دارای سازمان و ایدئولوژی مشخصی بودند؛ این سازمان با سلسله مراتب سیالی همراه بود که رهبری جنبش را بر عهده داشت. هدایت و بسیج توده‌ای بیشتر از طریق ابلاغ بیانیه‌های رسمی یا غیررسمی و پیام‌های رهبران نهضت صورت می‌گرفت، اما در وال استریت این مقوله متکثر و از طریق فرایندهایی صورت می‌پذیرد که هرکس در آن نقشی دارد، ایدئولوژی می‌سازد، شعار تولید می‌کند و نظام سرمایه داری را به چالش می‌طلبد. همانگونه که «اوفه» هم می‌گوید، ویژگی برجسته جنبش‌های جدید وجود سازمانی باز و سیال، مشارکتی فراگیر و غیرایدئولوژیک و توجه بیشتر به دگرگونی‌های اجتماعی به جای دگرگونی‌های سیاسی است (دلپورتا و دینان، ۱۳۸۲، ۲۷)

جنبش وال استریت خصلتی غیرتمرکزی دارد؛ در پارک‌ها، اطراف کلیساها، زیر پل‌ها و هر جایی که بتوان بیتوته کرد، مکانی برای بیان اعتراض است. اشغال وال استریت گفتمانی واحد و یکپارچه است که همه را در همه جا جمع کرده است. در این جنبش یک قدرت واحد همانند یک طبقه، صنف یا قشر و یا شبکه متمرکزی وجود ندارد، بلکه این شبکه‌های متکثر گروه‌ها و حتی متضاد اجتماعی هستند که جنبش را می‌سازند. در این تجمعات، طیف وسیعی از طبقات و اقشار مانند کارگران، دانشجویان و دانش‌آموزان، گروه‌های هنری، زنان خانه دار، مهاجرین و اقلیت‌های قومی و نژادی و مذهبی را می‌توان مشاهده کرد. این جنبش دارای افقی باز و گسترده، حول گفتمان ضدسرمایه داری و بی‌عدالتی‌های جامعه امریکا می‌باشد و لذا وجهه بارز آن ائتلافی بی‌شکل، نامشخص و نامحدود طیفی از اندیشه‌های متنوع و حتی متضاد است و شکل بروز دسته جمعی و تظاهراتی آن، حالت کارناوال و جشن را دارد. در اغلب این کنش‌ها، تظاهرکنندگان در حالی که با صدای طبل حرکت می‌کنند و شعار سر می‌دهند، خیابان‌ها و اماکن عمومی را به تصرف خود در می‌آورند و کم‌کم برشمار آن‌ها افزوده می‌شود. شکل تجمعات همانند بیتوته است؛ به گزارش پرس تی وی مانند سالن فرودگاه یا ایستگاه قطاری که مسافران زیادی به دلیل لغو پرواز یا کنسلی حرکت قطار، چند روزی را در این اماکن به سر می‌برند. گروه‌های مختلف موسیقی و طبل‌ها مرتب می‌نوازند و اعتراضات را همراهی می‌کنند؛ و هرکس هم با خود چیزی می‌آورد و تقسیم می‌کند، ژنراتور برای روشنایی، چراغ، پتو، لباس گرم، چادر، کنسرو، غذا و هر چیزی که در اینجا مورد نیاز معترضین است. اقلام را به یکدیگر می‌رسانند و از همدیگر حمایت می‌کنند. چادرها پی در پی برپا می‌گردد و به تدریج تجهیز می‌گردند. گویی به پیک نیک

آمده یا تعطیلات آخر هفته را می‌گذرانند. اگرچه پلیس چادرها را جمع می‌کند اما بلافاصله کمپ دیگری در جای دیگر برپا می‌گردد.

جنبش وال استریت، مملو از صحنه‌ها و کنش‌های آرام و حتی مسخره‌ای است که به قول «ویلسون» با روش‌هایی که در اغلب موارد بدیع، غیر معمول و تماشایی هستند به بسیج افکار عمومی می‌پردازند (ویلسون، ۱۹۸۳، ۲۲۷) کنشگران، بیشتر از ابزارهای نمادین استفاده نموده و این نماد سازی توسط آن‌ها مرتب بازتولید شده و در سطح وسیعی سرایت می‌یابد. معترضین با بیانی سمبولیک و هدفمند، مردم را به همنوایی می‌خوانند و به تدریج برخی مکان‌ها یا مناطق دارای معنای سمبولیک شده و تبدیل به عرصه‌های مشخصی برای بیان اعتراض و کنش مشترک می‌شوند. این جنبش شعار محوری خود را تصرف وال استریت قرار داده که ساختمان بورس نیویورک در آن مهم‌ترین بخش اقتصادی و نماد نظام سرمایه داری امریکا واقع شده است. در گزارش‌های تلویزیونی میلیون‌ها بیننده در سراسر جهان، بالون بزرگی را که معترضین حامی جنبش ۹۹ درصد واشنگتن دی سی، پیش از حرکت به سوی ساختمان کنگره امریکا در میدان فرسون به آسمان فرستادند، دیدند. این بالون به شکل گربه‌ای چاق بود که در زیر آن نوشته بودند این گربه نماد همان یک درصد امریکایی ثروتمند است.

کنش‌های سمبولیک، خصلت برجسته جنبش وال استریت می‌باشد؛ برخی از تجمع کنندگان دهان خود را با اسکناس (دلار) بسته‌اند. آن‌ها می‌خواهند بگویند با پول می‌توان همه کار کرد؛ می‌توان سیاستمداران را ساکت کرد. آن‌ها با چسباندن اسکناسی یک دلاری روی دهان، به حاکمیت بلا منازع پول بر تمام ارکان کشور اعتراض دارند. این نمادگرایی در شعارهای کنشگران هم نمود برجسته‌ای دارد. یکی از محوری‌ترین شعارهای جنبش این است: «ما ۹۹ درصد هستیم». با این جمله کوتاه و تأثیرگذار، طرفداران این جنبش می‌خواهند بگویند سرمایه‌ها و امکانات جامعه امریکا در اختیار تنها یک درصد طبقه مرفه است و بقیه مردم (۹۹ درصد) از آن‌ها محروم هستند. آن‌ها در واقع نشان می‌دهند که اعتراضشان مربوط به گروه کوچک یا بی‌هویت نیست، بلکه فریادی است که از گستره جامعه برمی‌خیزد و خواسته‌های اکثریت خاموش جامعه را بیان می‌کند؛ اکثریتی که از تبعیض به تنگ آمده و خواهان برابری و رفاه بیشتر است. آن‌ها شعار ۹۹ درصد را با اجتماع انسانی در میدین بزرگ بازسازی نموده و در همان فرم روی زمین می‌نشینند، به طوری که از بالای ساختمان‌ها یا فیلمبرداری توسط هلی کوپتر شکل ۹۹٪ به راحتی قابل دیدن است.

شعارهای وال استریت برخلاف شعارهای جنبش‌های کلاسیک، کوبنده، رادیکال و ساختارشکن نیست، بلکه با زبان ایهام، تمسخر، ساده و صمیمی بیان می‌شوند. در پلاکاردهایی که در دستان تظاهر کنندگان این جنبش قرار دارد، می‌توان این جملات را دید یا شنید: «پول را نمی‌توان خورد. یعنی اینکه پول برای بهبود اوضاع جامعه و تأمین رفاه مردم باید باشد؛ این جمله کنایه‌ای است به عملکرد سرمایه داران که ثروت‌های جامعه را در انحصار خود قرار داده‌اند. برخی شعارهای دیگر چنین است: - چه کسی کشور را فروخته است؟؛ بانک‌ها را مجبور کنید تا پول به مردم بدهند. - قمار با ۹۹ درصد در وال استریت. - حق تو این بوده که ساکت باشی و به پول سرمایه داران اجازه دهی جای تو حرف بزندی! شورش زبان مردمی است که صدایشان شنیده نمی‌شود. - ما دموکراسی می‌خواهیم نه شرکت‌های سرمایه داری!؛ من نمی‌توانم سیاستمداران را با خود همراه کنم پس به این جنبش پیوسته‌ام!؛ ما هم مردم امریکا هستیم!؛ پول برای شغل یا مسکن است نه بانک‌ها و جنگ.»

وال استریت؛ سیاستی رهایی بخش

دامنه جنبش وال استریت گسترش زیادی یافته و به سایر کشورهای سرمایه داری سرایت کرده است. «وال استریت را تسخیر کنیم» امروز شعاری است که نه تنها در امریکا و اروپا، بلکه در سراسر جهان شنیده می‌شود. این جنبش پس از آنکه «اسکات اولسون» از کهنه سربازان جنگ عراق، از سوی نیروهای امنیتی هدف حمله قرار گرفت و از ناحیه جمجمه دچار شکستگی شد، شدت بیشتری گرفت و خشونت‌های پراکنده‌ای در آن مطرح شد. شعاری که پس از این واقعه همه جا به چشم می‌خورد این بود: «همه ما اسکات اولسون هستیم». این شعار سراسری و یکپارچه، دولتمردان امریکا را متوجه ساخت که امروز با جنبشی پراکنده و ناهمگون روبرو نیست، بلکه انسجام و سازماندهی خودجوش و خودانگیخته ویژگی برجسته آن است.

نظر سنجی موسسه تحقیقاتی GFK نشان داده حدود ۳۷ درصد امریکایی‌ها از اعتراضات وال استریت حمایت کرده‌اند. براساس همین تحقیق ۵۸ درصد هم گفته‌اند از سیاست‌های دولت امریکا خشمگین می‌باشند. هواداران وال استریت در شهرهای واشنگتن، فیلادلفیا، لس آنجلس تظاهرات برپا کرده‌اند و معترضین به طرف ساختمان کنگره امریکا حرکت کرده‌اند. این جنبش برخی شهرهای کشورهای دیگر چون انگلستان، ایتالیا، اسپانیا و حتی

پرتغال را در بر گرفته است. همانگونه که گفته شد، شعار محوری همه آن‌ها این است: «بس است، بس است! ما ۹۹ درصد جامعه هستیم». که بیانگر خواسته‌های پامال شده نه تنها مردم امریکا که میلیون‌ها نفر در سراسر دنیاست که از سیاست‌های نئولیبرالی سرمایه داری و پیامدهای آن یعنی بیکاری، فقر، تبعیض و جنگ به ستوه آمده‌اند.

فرمانروایی جهانی نئولیبرالیسم در سه دهه گذشته با ادعای از میان برداشتن مشکلات اقتصادی، هژمونی خود را در سراسر جهان گسترش داد و از سوی قدرت‌های حاکم و سردمداران تجاری و اقتصادی، تبلیغ و اشاعه یافت. ابزارهای اطلاعاتی و ارتباطی هم در این راستا در اختیار این موج سیاسی اقتصادی قرار گرفت و نظم نوین جهانی با رویکرد فرهنگی به فضاسازی و بسترسازی نئولیبرالیسم پرداخت. «هاروی» معتقد است بازشناسی خودپسندانه فرد، جنسیت و هویت، به درون‌نمایه‌های تکراری فرهنگ شهری، بورژوازی مبدل شدند و به نئولیبرال سازی فرهنگی انجامید (هاروی، ۱۳۸۲، ۷۰) به اعتقاد «والرشتین» در دهه‌های واپسین قرن بیستم، نظام جهانی با بحران گذار مواجه شده است و در میان هلهله‌هایی که برای کارایی تمدن سرمایه داری سر داده می‌شود، در همه جا نشانه‌های بدبینی و بی‌قراری فرهنگی دیده می‌شود. پس اجماع سرمایه داری به تدریج فرو می‌پاشد و این در وجود جنبش‌های متعدد ضد نظام انعکاس یافته که نیروی بیش‌تری می‌یابند و از کنترل خارج می‌شوند (Wallerstain; 1990, 167) طغیان فرهنگی جهان گسترتری که در مقابل فشارهای نظام جهانی با نمودهای مختلف آن شکل گرفته است، پیامد گسترش بی‌رحمانه نظام اجتماعی تاریخی است که از نظر صوری، عقلانی‌تر می‌شود؛ اما از نظر جوهری پیوسته غیر عقلانی‌تر می‌گردد. این جنبش‌ها فریادهای درد، از عقلانیتی را باز نمایی می‌کند که به نام منطق جهان شمول و جلوه عقلانی، ستم روا می‌دارد (giddens; 1994, 212)

اگرچه فروپاشی نظام لیبرالیسم اقتصادی از چند سال پیش با نشانه‌هایی از بحران مالی خود را نشان داد، به عنوان مثال بحران مالی گسترده‌ای که از اواخر سال ۲۰۰۷ میلادی آغاز و در کمتر از یک سال به شدیدترین رکود اقتصادی جهان مبدل شد، مشخص نمود که نظام سرمایه داری، ناکارآمد بوده و دارای ضعف‌های ساختاری اساسی می‌باشد. با گسترش این بحران، بازار بزرگ بورس وال استریت که نماد سرمایه داری و اقتصاد لیبرالیسم است در آستانه ازهم پاشیدگی قرار گرفت. در مدت کوتاهی، روزهای متعددی که با صفت سیاه نامگذاری شدند که یکی از این روزها پنجشنبه سیاه ۶ می بود، در کمتر از ۱۵ دقیقه، بازار وال استریت با هزار میلیارد دلار زیان مواجه شد. این زیان‌های میلیاردری، ورشکسته شدن

بانک‌های بزرگ و همگام با آن رکود اقتصادی همراه با بیکارسازی بسیاری از کارگران، از کار افتادن خطوط تولید صنایع بزرگ خودروسازی و... حاکی از پایان افسانه نئولیبرالیسم و به بن بست رسیدن اقتصاد افسارگسیخته سرمایه داری بود. در این بحران اقتصادی در واپسین هفته سپتامبر ۲۰۰۸ نزدیک به ۲/۵ هزار میلیارد دلار و در یک سال رقم نجومی هشت هزار میلیارد دلار از ارزش سرمایه‌های بازار مالی امریکا از بین رفت که باعث شد بیش از ۵۵ درصد تولید ناخالص جهان به رکود کشیده شود.

جهان سرمایه داری به این پالس‌ها توجهی نکرد و بی‌عدالتی، بیکاری، رکود و مشکلات عدیده اقتصادی اجتماعی به صورت جنبش‌های ضد سرمایه داری تجلی نمود. جنبش‌هایی که از لحاظ شکل اعتراض و ماهیت کنش‌ها در امریکا تازگی داشت. جنبش گسترده وال استریت یکی از این واکنش‌هاست که در قالب جنبش‌های جدید اعتراض خود را به این روند نشان داده است. به گزارش رسمی فدرال رزرو تا آغاز اکتبر ۲۰۱۰ بیش از پنج میلیون صاحب خانه نمی‌توانند قسط‌های خود را بپردازند و از سوی بانک‌ها به تملیک در خواهند آمد. اما چنگ انداختن سرمایه مالی بر بازار مسکن همچنان ادامه داشته و دولت هم از بانک‌ها حمایت می‌کند. در حقیقت سرمایه داران هستند که نظام حاکمیت را در ایالات متحده در دست دارند. براساس این گزارش هم اکنون ۳۱۱ نفر از میلیونرهای امریکا عضو کنگره و از سناتورها هستند و در حالی که بیش از دو میلیون نفر در زندان‌های امریکا زندانی هستند اما نام هیچیک از بانکداران و بورس‌بازان در میان آن‌ها نیست.

بررسی شعارها و پیام‌های معترضین وال استریت نشان می‌دهد که دلایل این اعتراضات همین واقعیات است. نجات بانک‌ها از دست سرمایه داران و بحران وام مسکن از جمله مفاهیمی است که در اغلب بیانیه‌ها به چشم می‌خورد. در یکی از شعارها آمده است: «به کار بانک مرکزی پایان دهیم، وقتی ثروتمندان پول فقرا را می‌دزدند، نام آن را معامله تجاری می‌گذارند! اما وقتی فقرا از خود دفاع می‌کنند نام آن را خشونت می‌گذارند!». به همین دلایل هم نام وال استریت و خیابان ساختمان بورس، سمبول اعتراض و مبارزه این جنبش قرار گرفت.

نتیجه‌گیری

جنبش وال استریت یکی از مصادیق جنبش‌های جدید اجتماعی و نتیجه ناکارآمدی و کج کارکردی نظام نئولیبرالیسم در غرب می‌باشد. در چند سال اخیر رکود اقتصادی، رشد روزافزون بیکاری و تبعیض، ورشکستگی بانک‌ها، بحران بدهی‌ها شرایطی را در جامعه

غرب مانند ایالات متحده، فرانسه، یونان، ایتالیا، ... به وجود آورده که مردم به ویژه اقشار فقیر و متوسط را از نظر اقتصادی و اجتماعی در تنگنا قرار داده است. اجرای طرح‌هایی مانند ریاضت اقتصادی و پرداخت مالیات‌های روز افزون این فشارها را مضاعف نموده است. جنبش وال استریت اعتراض بارزی بر علیه این بحران و تبعیض و بی‌عدالتی ناشی از این روند است که به شکل جنبش جدید اجتماعی بروز یافته است.

جنبش‌های جدید اجتماعی از نظر ماهیت و اشکال مبارزه با جنبش‌های گذشته متفاوت است. این جنبش‌ها خصلتی ساختارشکنانه نداشته و با روش‌های نرم مبارزه می‌نمایند. آن‌ها همیشه در تخاصم با دولت و نظام سیاسی قرار ندارند، بلکه بازگوکننده تقاضاها و مطالباتی اجتماعی هستند. بررسی جنبش وال استریت هم نشان داد که جنبشی طبقاتی که آن را قیام فقرا بر علیه ثروتمندان بدانیم، نیست. بلکه اعتراضی همگانی به تبعیض و بی‌عدالتی حاکم بر جامعه است. به همین دلیل پشتیبانی همه اتحادیه‌های کارگری، کارفرمایی، دانشجویی، زنان، هنرمندان، ... را توانسته جلب نماید. در بخشی از یکی از بیانیه‌های معترضین این جنبش آمده است که... ما نیاز به ساخت جامعه‌ای از هواداران داریم و قدرت ما از این هواداران نشأت می‌گیرد. انتخابات و لابی کردن، صرف هزینه‌های گزاف در مورد کمپین‌های مختلف، اختصاص روزهای متوالی جهت قانون نویسی مسایلی نیستند که این جنبش می‌خواهد. برعکس اقداماتی از قبیل افزایش امید، آموزش، توسعه ارتباطات، عدالت و رفع تبعیض می‌تواند هواداران این جنبش را راضی گرداند.

جنبش وال استریت را نمی‌توان تحقق انقلاب در جوامع اروپایی و امریکایی دانست. معترضان آن از طیف‌های گوناگون، تنها واکنشی اعتراضی در مقابل وضعیت ناگوار اقتصادی اجتماعی حاصل از سیاست‌های نئولیبرالیسم ابراز داشته‌اند. فقدان رادیکالیسم لازم در این جنبش نمایانگر عدم گرایش به ایجاد تغییرات بنیادین است. ارزش‌های سرمایه داری آنچنان جامعه امریکا را احاطه کرده است که حتی در سایت جنبش نیز بیش از آنکه بر مطالبات و خواسته‌های جنبش تأکید شود، از شهروندان و سازمان‌های غیر دولتی درخواست کمک مالی می‌شود تا هزینه برگزاری تظاهرات فراهم شود. بنابراین جنبش هنوز هم خود را مقید به ارزش‌های القا شده نظام سرمایه داری می‌داند. همانگونه که والرشتین هم گفت: «از ویژگی‌های بارز موج جدید جنبش‌ها در عین تعدد، خود را جزئی از کلیتی بزرگ‌تر می‌دانند. محور جنبش‌های جدید در غرب، بخش‌های فراموش شده هستند، در واقع این جنبش‌های ضد نظام، خود محصول نظام جهانی سرمایه داری هستند، اما بنیان آن را متزلزل

ساخته‌اند (wallerstein;1990,169) وال استریت واکنشی از درون نظام سرمایه داری است که با گفتمان برگرفته از قدرت طبقات متوسط، در صورت بندی جدید اجتماعی شکل گرفته و نمادهای تازه‌ای از روابط اجتماعی و اقتصادی را مطرح کرده و نظام موجود را به چالش کشیده است.»

منابع و مأخذ:

منابع فارسی:

۱. امین صارمی، نوذر، (۱۳۹۰)، جامعه شناسی جنبش‌های کارگری در ایران، رساله دکتری، تهران، دانشکده علوم اجتماعی دانشگاه علامه طباطبایی
۲. با تامور (۱۳۷۹)، جامعه شناسی سیاسی، ترجمه صبوری کاشانی، نشر کیهان
۳. تاجیک، محمد رضا، (۱۳۸۲)، مقدمه ای بر راهبردهای امنیت ملی، مرکز بررسی‌های راهبردی
۴. تیلی، چارلز (۱۳۸۹)، جنبش‌های اجتماعی (۲۰۰۴-۱۷۶۸)، ترجمه علی مرشدی زاد، نشر دانشگاه امام صادق (ع)
۵. دلاپورتا، دوناتلا ودیانی، ماریو (۱۳۸۳)، مقدمه ای بر جنبش‌های اجتماعی، ترجمه محمد تقی دلفروز، نشر کویر
۶. روزه، گی (۱۳۷۵)، تغییرات اجتماعی، ترجمه منصور وثوقی، نشر نی
۷. قراگوزلو، محمد، (۱۳۸۹)، فکر دموکراسی سیاسی، نشر آگاه
۸. گیدنز، آنتونی (۱۳۷۳) جامعه شناسی، ترجمه منوچهر صبوری، نشر نی
۹. نش، کیت (۱۳۸۴)، جامعه شناسی سیاسی معاصر، ترجمه محمد تقی دلفروز، نشر کویر
۱۰. هاروی، دیوید، (۱۳۸۶)، نئولیبرالیسم (تاریخ مختصر)، ترجمه عبدالله زاده، نشر اختران

منابع انگلیسی:

1. Giddens, a, (1994) *Modernity and Self-Identity*, Cambridge: Polity Press
2. Steanglits, J, *The Ideological Tension of Capitalism*, In Smith et al., eds. Tilly, C (1997), "Social Movement as Political Struggle" Draft Article for *Encyclopedia of American Social Movements*.
3. Tilly. charls (1984), *Social movements and National politics*, in Bright and Harding: *statmaking and social movements*, university of Michigan press.
4. Wallerstein, I, (1990) *The Capitalist Economy*. Cambridge: Cambridge University Press.

Wall Street: The Movement From Interior A Study About the Wall Street From New Social Movement Aspect

Nozar Amin Saremi
P.H.D In Political Sociology
Allame Tabatabaai University

The Wall street movements began in Zakaty park at side the America capitalism center . After several mounts were extended and transmitted to another cities of America and Europa . Although anticapitalism movements appeared in Ciattel and Davoos before, but recent protests, named %99 or Wallstreet movement, extended widly and were astonish politicians. So mooted this question : if great revolution appeare in capitalism system? And what are the nature and traits? For answer this question used information and reports from mass media. Results indicate that the protest model of Wallstreet is smooth. Protesters deployed in parks and streets near the America capitalism symbols. This movements isn't destructer , but is public protest to discrimination and, unjust and economic crises from Neoliberalism in America and Europa.

Keywords: Wall street protest movement, new social movments, capitalism, neoliberalism, wall street